

سیمای زرتشت و سرودهای آسمانی او « گائها »

دکتر اردشیر خدادادیان
استادیار دانشگاه ملی ایران

فقط اندیشه نیک است که شرط دیدار زرتشت و اشا میباشد و راه دیگری برای امکان پذیر شدن این دیدار وجود ندارد. زرتشت در این دیدار در عالم روحانیت خویش پرسشهایی می کند. این پرسشها را شاعر گائها پیش از باریافتن به درگاه آماده و پرداخته کرده است.

این سرودش (فرشته فروتنی و فرمانبرداری) است که تنها شرط توفیق دیدار زرتشت با اهورامزدا است و زرتشت از این طریق میتواند راه خود را بسوی اهورامزدا بگشاید بسوی آنکه از همه نیرومندتر و داناتر است و به خاطر حکمت و بشارتهای آسمانیش به نام «بزرگترین» شناخته شده است.

زرتشت می خواهد به نیروی سخن بر به وجود آورنده آفات (خرفستران - جانوران زیان آور) چیره شود. تا اینکه این زیانکاران نتوانند در کار و هدفهای مشمژکننده خود نسبت به جانوران مفید و جهان هستی پیشرفت کنند و جهان رابه کردار خود آلوده و به آدمیان و دیگر موجودات گزند برسانند (یسنا ۲۸ بنده). سراینده گائها به نمایندگی از سوی هم زمان خود که شانه به شانه با او بر علیه دروغ و ناپاکی و ستم پیکار می کنند، از اهورامزدا و وهومن و اشا خواستار مساعدت میشود

از فقر و ظلم که دامنگیر او و جهان میباشد به حمایت و نیروی مادی و معنوی نیازمند است و به یاری اندیشه نیک آن را از خدای یگانه و توانا خواستار می شود و به گونه ای که یک دوست به دوستش کمک می کند او نیز می خواهد مورد حمایت و محبت اهورامزدا قرار گیرد (یسنا - ۲۸ بند ۲). زرتشت اینجا این یاری را به عنوان پاداش در مقابل تلاش او بمنظور رواج راستی و پندار نیک به جای خدعه و نیرنگ از آفریدگار جهان می خواهد و همانند شهریاری که زبیردستان خود را مورد عنایت خویش قرار میدهد او نیز می خواهد مورد عنایت اهورا مزدا قرار گیرد.

زرتشت با مهارت و زیردستی خاصی که در فن سرودن دارد، سرودی ستایشی و کاملاً نوین را به منظور خوشنودی خاطر اشا (راستی و پاکی) و وهومن (اندیشه نیک) و اهورامزدا که قدرت لایزال را دارا میباشد، می سراید و آنان را به یاری خود میخواند و از آنان طلب رهبری می کند (یسنا ۲۸ بند ۳). سراینده گائها با اتکاء به اندیشه نیک این سرود نو را می سراید و به اهورامزدا ستایش و نماز میبرد و در آرزوی آن لحظه است که به بارگاه اشا باز یافته و با این امشاسپند دیدار کند.

با تمام رنجهایی که زرتشت پیامبر باستانی ایران در دوران کودکی و نوجوانی خویش متحمل شده است سیمای شجاع و اندیشمند او در سروده هایش هر خواننده و مفسر را، به تحسین و امیدارد.

هوشیاری و فروتنی او در برابر آفریدگار جهان که هم سخن و راهنمای زرتشت است گویای آن است که پیامبر باستانی ایران شخصی سخت اراده و پرتلاش و دوراندیش بوده است.

سراینده گائها اعتقاد دارد که اگر بساط دروغ و ترور و تعدی از جهان برچیده شود، رنجش و ناآشتی نیز زدوده شده و آرامش و آشتی و برکت جهان را فرا میگیرد و جهان از نور راستی برخوردار گشته و از ثمرات کوشش و اندیشه نیک و راستی مردمان خوب جهان آگنده از نعمت و صمیمیت خواهد شد.

این تنها اهورامزدا است که میتواند در این موقعیت بحرانی و در این راه صعب از زرتشت حمایت و او را راهنمایی کند. زرتشت در کمال افتادگی و فرمانبرداری ضمن سپاس و ستایش به درگاه اهورامزدا خود را حامی و مدافع جهان می داند و می کوشد با تمام نیرو و اندیشه آنرا از چنگال خونخواران و بدرفتاران برهاند.

طبیعی است که زرتشت برای رهایی

که به وسیله این نیرو بتوانند بر دشمنان غلبه کنند و جهان هستی از یوغ نادرستی و ستم درامان باشد (یسنا ۲۸ بند ۶).

زرتشت همان رزمنده آهنین اراده ایران و باستان نعمتهای خوب و پیروزی بخش و باروری را بر مبنای اندیشه نیک از اشا می طلبد و از آرمییتی (امشاسپند فروتنی و درست اندیشی) تمنا می کند که به گشتاسب پناه دهنده و میزبان او نیرو ارزانی دارد و نیز از اهورامزدا تقاضا می کند که به وسیله الهامات آسمانی اش به آدمیان آن بشارت را بدهد که همه به فرمان های او گوش فرا دارند زیرا آنگاه که شاهنشاه راستین بر مردم حکومت کند آرمان های آدمیان به اتکاء بسمه نیروی رهاکننده یعنی گفتار پندار و کردار نیک در مقام آن خواهند بود که انبوه دیوستانیان و درخیمان را درهم بشکنند و فرمانروایی شاهنشاه عادل را به نیروی اشا نیرومند و جاودانی سازند.

یکی از یاران زرتشت که پایه آشنایی اش با پیامبر بزرگ در دربار شاه گشتاسب کیانی نهاده شد فره شوستر پدر زن زرتشت است که برادر جاماسب وزیر شاه گشتاسب و داماد پیغمبر میباشد.

همانگونه که زرتشت بهترین بخششها را از بهترین و بزرگترین بخشنده یعنی اهورامزدا تقاضا می کند، برای فره شوستر یل نامور و پیکارگر شکست ناپذیر و نیز برای همه یارانش برای تکمیل زندگی، اندیشه نیک که زیور درون هر انسانی است آرزو میکند. مع الوصف پیغمبر از این همه خواهشهایی که به درگاه اهورامزدا میکند احساس نوعی شرمندگی می کند و از اینکه بیش از حق خود مزاحم خالق جهان هستی

می شود با ستایش و نیایش به درگاه اهورامزدا روی می آورد و خویش را در موقعیت مناسبی می بیند که از اشا و هومن نیز طلب آموزش کند تا اینکه این امشاسپندان خشمگین نشده و از او روی نگردانند.

واقعیتی که زرتشت به آن معتقد است این است که این سه برهمنه نیروها فرمانروا می باشند و مبادا که گامی بر علیه خواست و اراده آنان برداشته شود (یسنا ۲۸ بند ۹).

زرتشت برای آنان که اهورامزدا آنان را به لحاظ اندیشه نیک و راستی آنان مؤمن و دیندار می شناسد پاداش نیک طلب میکند و جبران آن را نسبت به آفریدگار بیهمتا با سرودهای ستایش انگیز می کند تا به این وسیله اهورامزدا را نسبت به خود و پیروانش خوشنود نگهدارد (یسنا ۲۸ بند ۱۰).

از آنجایی که اهورامزدا پاسدار راستی و پاکی و اندیشه نیک است زرتشت اصرار می ورزد که با آنان از نزدیک آشنا شود و کسی جز خداوند توانا نمی تواند او را یاری دهد تا به این آرزو برسد.

سراینده یسنا ۲۸ میکوشد که اساس زندگی خود و پیروانش را بر روی اصول نامبرده بالا استوار سازد زیرا پایه و بنیه زندگی درست و انسانی که از تزلزل و نابودی نیکی و جهان آفرینش جلوگیری می کند به خواست و اراده اشا و هومن است حکام می یابد (یسنا ۲۸ بند ۱۱).

پیامبر ایران باستان مایل است که هر چه زودتر و با شتاب فراوان ضوابط و قوانین طبیعت و چگونگی آفرینش این جهان را از زبان خدای یگانه بشنود تا با تمام نیرو در نگهبانی و ترویج این قوانین و ضوابط بکوشد - زرتشت علاقه دارد که از جانب اهورامزدا این وظیفه خطیر به-

عهده او محول شود از اینرو پیوسته بر آن است که باید جهان را از وجود دروغگویان و هرگونه پلیدی و فساد به دور نگاه داشته و پیوسته پاسدار راستی و عبادت و آشتی بود زیرا به نظر او شیوه دیگری برای درامان داشتن جهان از آلودگی و تباهی و استوار نگه داشتن شیرازه و شالوده زندگی نیک اندیشان وجود ندارد.

آیین مزدیسنی آورده زرتشت نه تنها مشوق و پشتیبان انسان های پاکدامن و راستین است بلکه حامی و پناه دهنده - جانوران مفید و بی آزار نیز می باشد و به پیروان خویش موعظاً این وظیفه بزرگ را یاد آور می شود و آن را جز لاینجزای زندگی و برنامه های آنان بر شمرده و آنان را به انجام این مهم مکلف می کند.

زرتشت از همه مردمان و جانوران سودرسان حمایت می کند در یکی از سرودهای خویش (یسنا ۲۹) جهان زنده مردمان و جانوران سودمندان را به زبان شاعرانه خود به «گاو» که در آن زمان اقتصاد و بهبود کشور بر آن متکی بود تشبیه می کند و به دفاع از این حیوان می پردازد و از زبان او (روان گاو - Geus-Urvam) چنین می گوید: به شما شکایت می کند خروش (روان) گاو از دست دشمنان او که به جان او طمع می کنند - خروش گاوی که این چنین در جنگال قربانیگران شکنجه و گزند می بیند: برای چه کسی مرا آفریدی؟ چه کسی

مرا تراشید (ساخت)؟. پیروان دروغ مرا به اسارت گرفته اند و تحت خشم، تجاوز، بند، زورورزی، تعدی و خشونت. من جوپان (نگهبان) دیگری جز شما ندارم - برای اینکه پاسخ درستی به روان گاو داده شود اهورامزدا با اشاهمپرسگی

می‌کند (به مشورت می‌نشیند) که آیا به‌نظر و قضاوت اشاچگونه راهی و حقوقی در جهان هستی برای گاو پیش‌بینی و در نظر گرفته شده‌است. از آنجایی که قدرت و فرمانروایی بر جهان هستی در دوام گاو اثر بزرگی دارد و به کمک این قدرت می‌توان چمن و چراگاههای سرسبز و خرم برای گاو فراهم کرد و برای اونگهبان یا سرداری را در نظر گرفت و آن‌تها این سردار است که میتواند نیروی انبوه دشمنان خشمگین گاو را درهم بشکند اهورامزدا تنها پناه‌گاه گاو است.

پاسخی که اشا به اهورامزدا میدهد به‌این شرح است:

بدرفتاری سزای کردار زشت خویش را می‌بیند و دریغ که غافل از آنند که چه برداشت نامطبوعی از کارهای خود خواهند کرد - ولی در جهان هستی و در میان زندگان کسی نیست که به قدرتمندی اهورامزدا آگاه و مؤمن نباشد.

او یعنی اهورامزدا است که همه از او طلب می‌کنند و روان گاو نیز به‌یاری مستدام او نیازمند است. پوشیده نیست که اهورامزدا امشاسپندی را برای گاو مأمور کرده‌است که وهومن نام دارد و این وهومن است که وظیفه حمایت و حفاظت گاو را به‌عهده دارد. اهورامزدا به‌همه چیز آگاه است و از همه داناتر و شناسنده‌تر است و الهامات و اندیشه‌های هر کسی را خوب درک می‌کند. باشد که او دقت کند در آنچه انجام شده و انجام خواهد شد به‌وسیله دیوان و انسانها اوست که اعمال انسانها را ارزشیابی می‌کند و پاداش این اعمال را به‌کنندگان آنها میدهد.

بدین‌معنی که نیروی اراده و تفویض

حقوق هر کسی در دست او است و باید بر انسانها و محتوای جهان هستی چنان رود که خواست اهورامزدا است. نگهبانان گاو به خدا پناه می‌برند و خداوند را به‌عنوان مدافع خویش برمی‌گزینند. البته در جهان هستی راستان و ستاینندگان اهورامزدا با بدخویی و زشت‌کرداری دیوستایان روبرو هستند و برای نگهبانان و حامیان گاو در میان دروغگویان امکان زندگی وجود ندارد - اینجاست که پاسخ درست از جانب اهورامزدا به‌گاو داده میشود از جانب آفریدگاری که به‌تمام اسرار آگاه است:

آفریننده گاو ترا برای پوشنده و برای آن نگهبان و پرورنده چمن و چراگاه آفرید. به نیروی سخنان آسمانی اوست که به وسیله فرمان‌هایش پشتیبان و رهاکننده هر ضعیفی از چنگال ظلم و ناامنی است. از آنجایی که پاسخ برای نجات دادن روان گاو که در بند و تنگنا به‌سرمی‌برد و به‌اسارت گرفته شده است قانع‌کننده نیست این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی با وهومن امشاسپند (اندیشه نیک) نگهبان گاو شود.

اینجاست که زرتشت به‌عنوان تنها مدافع جهان زنده معرفی می‌شود - اهورامزدا در این راه پشتیبان زرتشت و زرتشت پشتیبان مردمان و جانوران مفید است - زرتشت با این‌اندیشه و هدف به فرمان‌های اهورایی گوش فرا می‌دارد و برای خالق یکتا و اشا سخنان ستایش‌آمیز و سرودهای نغز میسراید و تا آنجا که شیرینی و قوت کلام و نیروی اندیشیدن به‌او اجازه می‌دهد به‌این حقیقت‌شناسی ادامه میدهد گاو که این بزرگواری بیدریغ را از جانب زرتشت

می‌بیند نعره را بلند می‌کند که باید به - آوا و نصدای این پرورش‌دهنده ناتوان (زرتشت) گوش فرا داده شود و در آرزوی آنکه زرتشت از طریق بخشش نیرو و توانایی از جانب اهورامزدا دریافت می‌دارد توانا و قدرتمند شود تا بتواند بر دشمنان خویش غالب آید. روان گاو باز خروش میدهد که چه زمان گاه آن فرا میرسد که آن بخشش و نیرو (از سوی اهورامزدا) در مکان مقرر حاضر میشود که زرتشت آن را دریافت دارد و به‌دوران ضعف‌زندگی و پیکار خویش پایانی دهد.

به‌احتمال زیاد زرتشت این سرود (یسنا ۲۹) را در زمان آوارگی خود سروده است که به‌گونه‌ای که اشاره کردم دچار در بدری و بی‌خانمانی بوده و زمستان سختی را در آن سال به‌پشت سر نهاده و باز می‌توان حدس زد که در همان زمستان همسر خود را در سفر بر اثر شدت سرما از دست داده است.

زرتشت مردمان و جانوران را دریوغ خونخواران و دیوستایان زیر شکجه و آسیب و تجاوز می‌دید و به‌دنبال راه چاره‌ای میگشته است.

برخی از مترجمین و مفسرین تصور می‌کنند که در این بخش از سرود هنوز جهان (روان گاو) از اهورامزدا پرسش و طلب دادخواهی می‌کند. حال آنکه در اصل زرتشت بعنوان مدافع جهان در اینجا رشته سخن را در دست دارد و از خداوند تمنا می‌کند که به نیروی اشا به‌آن کسانی قدرت و نیروی جسمی بدهد که به وسیله آن و به‌کمک اندیشه نیک بر مشکلات و آوارگیها پیروز آید و نیز بتواند به - بی‌خانمانان سکونت مطبوع و آرامش و

آشتی ببخشد. در همینجا پیامبر ایمان خود را به قدرت و نیروی لایزال اهورایی تأکید می‌کند و نیز اعتراف می‌کند که به اندیشه او مزدا نخستین آفریدگار و دارنده جهان میباشد. در اینجا زرتشت برای جهان نیز به عنوان آفریده اهورایی همان آرامش و سکونت مطبوع را خواستار می‌شد.

نظر به اینکه بهیاوری اشا و هومن خشتر (شهریور) برای به وجود آوردن سکونت خوب و بر آوردن دیگر نیازمندیها حاجت مبرم می‌باشد از آنان نیز سراغ گرفته و خواهش می‌شود - که کجا هستند راستی (اشا) اندیشه نیک (وهومن) و فرمانروایی (خشتر = شهریور) و زرتشت از مزدا تمنا می‌کند که او رانیز پیذیرند و در پناه خود گیرند و بالاخره او را در گروه خود جای دهند.

در پایان این سرود زرتشت خدا می‌دهد که ای اهورا (سردار زندگی) بیا و اکنون به سوی ما بشتاب و بهیاری مایا به خاطر هدیه‌ها و ستایشهایی که ما برای شما و همگنان (امثال و همدیگان - شاید هم ایزدان دیگر منظور نظر باشند) ^۱ به ارمان آورده‌ایم.

زرتشت خود را موظف و مکلف میدانند که رسالت بزرگی که از سوی خداوند بزرگ به او واگذار شده است درست به انجام برساند - اینست که او به نیکان و دانایان ثمرات اندیشه و کردار نیک و گفتار راست را نوید می‌دهد و دروغگویان و ددمنشان و کژرفتاران را به مجازات و پاداش تلخی که در انتظار آنهاست آگاه می‌سازد.

آنان که به فرمان اهورایی گوش فرا می‌دارند و به آهنگ آن سخن می‌گویند و

می‌اندیشند و رفتار می‌کنند در جهان هستی از نعمتها و خوشبختی بهره میگیرند و بهشت برین سرای جاودانی آنها در جهان مینوی است و آنان که گفتار و کردار و پندار خود را با هدفهای اهریمنی تطبیق می‌دهند در زندگی جهان مادی از زرتشت سرودن سرودهای ستایش آمیز برای وهومن و نیز به درگاه اهورامزدا آگاهی خویش را که ایزدان (فرشتگان بارگاه اهورایی) از آگاهترین می‌باشند، اعلام میدارد. سراینده این سرودهای درود آمیز میل مفراط به نزدیک شدن و آشنایی با این فرشتگان دارد و میکوشد تا به نیروی راستی (بهیاری اشا) خود را به آنان نزدیک کند - او میخواهد یا نزدیک شدن به آنان از پرتو دانش آنان بهره گرفته و راهنمایی های تازه‌ای بشود تا بتواند به پاس این بهره‌مندیها در اندیشه خویش نوپدیهایی تازه‌ای را به پیروان خویش بدهد.

تمنای زرتشت از این فرشتگان و ایزدان این است که با توجه کامل به سرودهای ستایشی او گوش کنند زیرا او نهایت به خود زحمت داده است تا بهترین و نغزترین سرودها را برای خورسندی خاطر آنان بسراید. برای عملی کردن برنامه دینی خود که از جانب اهورامزدا به او محول شده است مجبور است که در حضور این ایزدان و فرشتگان و زیر نظر خالق یکتا همه پیروان دیندار خود را یکی پس از دیگری در صداقت و درستی و اعتقادشان بیازماید. این آزمایش در پرتو آتش که در آیین مزدیستا که عنصری مقدس و لازم در برگزاری مراسم دینی و محاکم روز حساب می‌باشد، انجام میپذیرد. یکچنین آزمایشی با وجود شعله‌های آتش

می‌تواند درست‌ترین نتیجه را بدهد و آتش در مقام روحانی و بستگی خود به اهورامزدا تشخیص دهند، حق از باطل است (آتش سمبل مادی و عنصری برای اشا بزرگ امشاسپند و بهروایتی نیز پسر اهورامزدا می‌باشد) و موجب پیروزی گفتار و کردار و پندار نیک بر گفتار و رفتار و اندیشه زشت است. (نمونه‌ای از این آزمایش در عهد ساسانیان در مورد موبد موبدان آذرباد مهر اسپندان در حضور شاپور دوم شاهنشاه ساسانی به وسیله روی گداخته که بر روی سینه این موبد ریخته‌اند و به او آسیبی نرسیده است و درستی آیین آورده زرتشت بدینوسیله تثبیت و قوی شده است انجام گرفته است - نمونه دیگری از این آزمایش در مورد سیاوش پسر کیکاوس و پدر کیخسرو که مجبور به گذشتن از میان شعله‌های سهمگین آتش شده است تا بیگناهی خود را بدینوسیله ثابت کند.

به طور کلی در دوران تاریخ پیش از اسلام نمونه‌های متعددی از این آزمایشها گزارش شده‌اند که مشکلی جز تمیز دادن راستی و پاکی را از دروغ و پلیدی راحل نمیکرده‌اند و در مورد موبد موبدان دوره ساسانی که از آن ذکری به عمل آمد مراد تشخیص برحق بودن و یا جعلی بودن آیین مزدیستا و ثبوت ایمان خود آذرباد مهر اسپندان به این دین بوده است. که این پیشوای دینی این آزمایش را در حضور شاپور ذوالکثاف شاهنشاه و دیگر درباریان و هیئت داوران به سرداری خود شاهنشاه با موفقیت به انجام رسانیده است.

۱ - این اشتباه است که برخی از مورخین در این جا خدایان (اهوراهای) دیگر را نیز می‌گنجانند.

در موضوع ایمان به اهورامزدا و اعتقاد به دین زرتشت روش کشف و تصدیق صدق به همین منوال است. آنکه به آیین مزدیسنی اعتقاد میورزد دارای پندار و گفتار و کردار نیک است و آنکه دارای پندار نیک (وهومن و گرایش به سوی این امشاسپند) است و پیوسته به این امشاسپند احترام میگذارد و اخلاص می ورزد و به-جانوران بی آزار و سودمند آسیب و آزار نمیرساند.

در تفسیر یسنا ۲۹ چنین آمده است که طرفداران و دوستداران وهومن امشاسپند یاور و پناه دهنده جهان هستند و جهان برای خود پشتیبانی می شناسد که همان دارندگان اندیشه نیک هستند و به این صورت احساس تنهایی و بی پناهی نمیکنند و به کوشش این نیک اندیشان و اراده اهورامزدا این امید جامه عمل می پوشد که به جهان و زندگی آرام و بی آزاری بخشیده شود و آنکه جهان را از این نعمتها محروم کند و پناه ندهد و او را بیازارد خویش را با وهومن امشاسپند درآویخته است و اهورامزدا بر او خشم می گیرد

در اینجا به زبان شاعرانه زرتشت باز می گردیم که به سبک مخصوص خود به صلح و صفا و جنگ و جفا اشاره می کند. شیر گاو بهترین تحفه ای است که هر دینداری در بسیاری از موارد زندگی دینی در برگزاری مراسم مذهبی به ویژه برای اهورامزدا به ارمغان می آورد و آنکه به گوشت و خون گاو طمع کند گناهی نابخشودنی را مرتکب می شود.

گو و سودمند خوشحال است که میتواند با دادن و هدیه کردن شیر خود نظر اهورامزدا و امشاسپندان را به خود جلب

کند تا در پناه آنان بی گزند زندگی کند و از تجاوز و ظلم درامان بماند و نیز با آنان پیمان میکند که هیچگاه از این وظیفه شناسی غافل نشده و اهورامزدا و امشاسپندان را در این مورد از خویش نرنجانند.

همچنانکه اشاره شد اشو زرتشت آمدن امشاسپندان را در سرودهای خود بشارت میدهد این خبر حتی برای اهورامزدا که داناای مطلق و از همه چیز آگاه میباشد نهایت جالب است. سراینده گاتها کراراً تأکید می کند که بهترین سرودهای آفرین آمیز را به عنوان تازه ترین تحف در قالب آهنگهای نغز با کلام شیرین به ارمغان می آورد. زرتشت امشاسپندان را بهترین و تواناترین بازشناسنده و دقیقترین داور می داند و می نامد و با خلوص نیت بر مبنای اشا میکوشد که خود را به آنان نزدیک کند و اینجاست که به نحوی که اشاره شد به اسرار نیک و بد و به نهفته ترین رازها پی میرود و می بیند که چگونه راستی و نیکی از دروغ و پلیدی باز شناخته می شود؟ چه مزدی به شخص مؤمن و راستین و چه عقوبتی برای برای انسان بی ایمان و نیرنگ باز پرداخته میشود و چه اجر پر ثمری به هر رهبر و پیشوای راستینی تعلق میگیرد و آن هم در مجاورت شعله های گلگون آتش که در پناه اشا است و خیلی گرامی داشته می شود (این نکات زیاد در گاتها تکرار می شود). در فلسفه زرتشت جدال میان اشا (راستی) و دروغ (دروغ) پیوسته ادامه دارد و همینطور میان اندیشه پاک اهورایی و طینت زشت اهریمنی. این پیکار ادامه خواهد داشت تا آنکه به مرحله نهایی و بالطبع به نتیجه نهایی برسد که سرنوشت اصلی و واقعی تنها رمز و اسرار آن است برملا

شود. بدین معنی که فقر و بدترین زندگی و ننگین ترین سرنوشت قرعه دروغ پرست و بی نیازی و بهترین اندیشه حق شخص دیندار خواهد شد.

استدلال زرتشت این میباشد که شخص نیرنگ باز بدترین پندار را برگزیده است و با شخص دیندار که از راستی و پاکی برخوردار است پیوسته در دشمنی بسر میرود ولی در این جدال دو نیروی راستی و پاکی چنان محکم و لایزال هستند که پیروزی نهایی نیز با گرایندگان و پیوستگان به آنها است ناگفته نماند که در درون هر انسانی این دو نیرو مدام با یکدیگر در پیکارند و هر کدام می کوشد که بر نیروی دیگری چیره شود (مراجعه شود به یسنا ۳۰ بند ۶ که به موازات آن در نوشته پهلوی زاتسیرام به تفصیل از این موضوع سخن می رود).

از تفسیر یسنا ۳۰ بندهای ۴ و ۵ و ۶ چنان بر می آید که این اراده انسان و تصمیم او در انتخاب یکی از این دو راه است که منجر به پیروزی یا شکست می شود - مثلاً اگر انسان به طرف راستی گرایش پیدا کند دروغ را شکست میدهد و اگر انسان به نیرنگ و زشتی تن دهد جهان اشویی را ضعیف می کند. طبیعی است که آنان که به شیوه پاکان در کردار و گفتار و پندار خویش می باشند غافل از این نیستند که اهورامزدا همان داور دادگر که بر آنچه میگذرد آگاه است تمام کارها را زیر نظر دارد و از اینرو مخصوصاً در گفتار و کردار و پندار خویش نهایت دقت را می کند - این بیانگر اخلاص و احترام به ذات پروردگار است.

در میان گروه های ددمنش و آشوبگر

دیوان و دیوستایان مشمول مجازات شاق الهی و شکست می شوند و خشونت و سختی همدم آنان بوده و در عین مشورت بایکدیگر یعنی در میان دیوان همین مشورت و تبادل نظر نفاق و دورنگی برایشان به بار خواهد آورد (یسنا ۳۰ بند ۶). نتیجه آن میشود که هر کدام برای خویش بدترین اندیشه را انتخاب می کنند و به نیروی همین اندیشه زشت سعی می کنند که گام های نابود کننده و ویرانگر بردارند و برای مردمان مؤمن و دیگر ساکنان جهان هستی بیمارزا و نکبت آور باشند و محصول کار نیکان را به نیستی بکشانند و خود حاصلی جز زیانکاری و فساد به بار نیاورند. به گونه ای که پیامبر اشاره کرده اند دو نیروی نیک و بد در درون هر انسانی با یکدیگر در پیکارند و یکی از آنها بر دیگری در پایان انتخاب یکی از این دو نیرو آزادند ولی این طبیعت و طبیعت آنان است که در گزینش راه خطا را می پیمایند و اندیشه بدر را انتخاب می کنند و با این اندیشه جهان را به بدترین و فجیع ترین وضع می کشانند.

طبیعی است که همانگونه که در خور شخص دیندار و در لیاقت او است هر کسی با توانایی (دست پر) و اندیشه نیک به سراغ او می رود - این خود یک هم آهنگی مستقیم با شیوه رفتار اهورامزدا دارد که شخص مؤمن و راستین را پیوسته در پناه خود می گیرد. آنچه در این بند از یسنا ۳۰۱ (بند ۷ و ۸) استنباط می شود این است که نیروی جوانی و شادابی و طراوت روحی به وجود آورنده و نمایانگر اندام نیرومند و زیبا است و آرمئیتی (امشاسپند نگهبان زمین) دانش و خرد می بخشد تا

آنکه به وسیله استحکام و هم پیوندن این چند نیرو شخص دیندار آزمایش نهایی که با فلز گداخته بر روی او انجام می گیرد و اهورامزدا این آزمایش را داوری میکند و زیر نظر دارد با کامیابی به پایان رساند. و نیز باید برای برانداختن دروغ و نیرنگ راستان بهم پیوندند و مکتب دروغ را بنیان کن کنند.

و آنان که گناهی مرتکب شده اند در این لحظه حساس و با فرارسیدن زمان این آزمایش به پای میز حساب می آیند تا اینکه با اصطلاح ترازوی داوری و قضاوت سرنوشت آنان را تعیین کند - این است که هر کسی قدرت را از آن اهورامزدا میداند تا آنکه او فرمان های لازم را بدهد و نتیجه آن شود که دروغ به دست اشا سپرده شود زرتشت در مقام فرمانبر اهورامزدا و امشاسپندان می خواهد در زمره آن افراد انگشت شماری باشد که می کوشند تا جهان مادی را به نور راستی فروغمند کنند و در این قسمت از یسنا ۳۰ چنین می گوید:

نیایشی که با اندیشه نیک به ارمغان آورده می شود باشد که به درگاه تو ای مزدا و سرداران زندگی نیاز شود - آنگاه که اندیشه ها در یکجا جمع می شوند و یکدل و یک زبان همه نیکان و راستان با یکدیگر پیمان یگانگی می بندند و همانجا ایمان هر کسی سرنوشت او را تعیین میکند. این هشدار برای آن کسانی است که در گرفتن تصمیم عاجزانند - اینان از طرفی مورد مزاحمت دروغ ستایان قرار می گیرند و درونی آشفته و پر عذاب دارند و از سوی دیگر آرزوی آخرتی نیک به آنان نیرو می دهد که به راستان به پیوندند - زرتشت خود را صلاحیت دار می بیند که در انجام

مأموریت از جانب اهورامزدا اینگونه افراد را راهنمایی کند و جمع راستان و دین داران را با هم متحد سازد.

این خود باز نمایی از تفسیر بندهای ۴ و ۵ و ۶ از همین سرود می باشد که در روبه پیش از آن یاد شد.

زرتشت از ضعف طرفداری نمی کند و پیروان خود را به مقاومت و مبارزه بر علیه جهل و دروغ بسیج می کند و آنکه از این راهنمایی که چیزی جز فرمان و خواست اهورایی نیست سرپیچی کند هم در جهان مادی رنجور و آشفته حال وهم در جهان مینوی سرافکننده و سرگردان خواهد بود.

به گاه فرارسیدن روز شمار که حکم محکمه داوری الهی به مورد اجرا گذارده می شود، دروغ محکوم به نابودی شده و این چیزی جز عقوبت دروغ گویان نیست که برای خویش کسب کرده اند. این تجربه تلخ به عنوان درس عبرتی است که به آنان که هنوز گمراه نشده اند هشدار و امکان آن را می دهد تا هر چه زودتر خود را به زیور اندیشه نیک آراسته و خانه آخرت خود را از هم اکنون به نور و هومن امشاسپند فروغمند سازند تا زندگی شان در جهان مینوی یا جهان باقی نیکو و شادی بخش باشد - اینجاست که شهرت و شکوه مقام آفریدگار عالمگیر شده و بر جهانیان ثابت می شود که دروغ پایانی جز نابودی و دروغگو عقوبتی جز دوزخ ندارد و اشا به عرش اعلی و شخص راستین به بهشت برین می رود (یسنا ۳۰، ۱۰). پیامبر با علم به این واقعیت به پیروان خود راه راستین را با ذکر مقصد آن می نمایاند و به آنان مؤکداً توصیه میکند که به فرمان های مزدا

گوش فرا دارند. روی سخن پیامبر در یازدهمین و آخرین بند یستا ۳۰ به تمام انسانها است. هر کس بخواد به خداوند نزدیک شود و مشمول عنایات الهی گردد، باید هوشیارانه حق را از باطل بازشناسد و عیوب دروغ و مضرات دروغگویی که دست برگریبان اهریمنان است بخوبی درک کند. این شخص باید به این واقعیت مؤمن باشد که اگر هم زمانی بس طولانی به طول بیانجامد، ولی در پایان دروغ به گونه‌ای که در تفسیر دهمین بند همین سرود گفته شد، فاسد و بالاخره نابود می‌شود. باز رستاخیزی که انکار ناپذیر نیست و در مقابل راستان و اهورائیان پیوسته نیرومند شده و از فروغ اهورایی بهره گرفته و کار به کام آنان خواهد شد. آنگاه که در عین خضوع و فرمانبرداری در برابر خواستهای خداوند سر تعظیم فرود می‌آورند و به پستی و فرومایگی تن نمی‌دهند پاداش نیک و آن برکت‌هایی که در خور گفتار و کردار و پندار آنهاست به دست می‌آورند و آنکس که به دروغ پی می‌نهد و از فرمان‌های اهورامزدا سرپیچی می‌کند و خواست اهریمن را برمی‌آورد در حقیقت به فساد و پستی گردن نهاده و مشمول مجازات بس سهمگین و جان‌کش می‌شود.

زرتشت اساس و عصاره اندیشه خود را در سرودن گائها اصولاً در قالب جدال میان سپنتامینیو (روح القدس) و انگره مینیو (روح کریه و خشن - اهریمن) و وهومن (اندیشه نیک) و اکامن (پندار بد و اندیشه شیطانی) و اشا (راستی و پاکی و نظم مطلق) و دروگ (دروغ) بنانهاده و این مبارزه با داوری اهورامزدا تا مرحله‌هایی آن ادامه دارد و پیامبر به اندازه‌ای

از آن سخن میراند و پیوسته این صحنه را به گونه‌ای جلوه می‌دهد که اگر پژوهشگر مترجم یا مفسر گائها عاشقانه بر آن نباشد که هر بار که از این جدال سخن به میان می‌آید و هر بار با کلام و بیانی دیگر و با کاربرد واژه‌های نوینی توأم است و خواننده را به تحسین و امیدارد، اهمیت این مبارزه را دریابد برایش خیلی خسته کننده خواهد بود. برخی از استادان اروپایی در همین مورد در عین بی‌حرمتی به محمول سرایش پیامبر می‌گویند گائهای زرتشت با اینکه از نظر کمیت نسبتاً ناچیز و برخی از سرودهای آن واقعاً کوتاه و گاهی از چند بند تجاوز نمی‌کند، به اندازه‌ای خسته کننده است که مترجم یا مفسر به ناگزیری باید به طور متناوب به گائها بپردازد.

برخی دیگر از استادان منصف و واقع بین سرودهای پیامبر ایران باستان را در شمار دشوارترین و متینترین قطعات ادبی در زبانهای هند و اروپایی از پیشین‌ترین زمان می‌دانند و مقام ادبی همین تکرارها و چندباره گوییها را چنان ارج می‌نهند و گائهای زرتشت را در سطح فوق‌العاده بالا و ارزشمندی قرار می‌دهند.

استاد فقید پروفیسور هانس هاینریش شدر گائهای زرتشت را در ردیف دشوارترین متن‌های هند و اروپایی قدیم به شمار می‌آورد - تقریباً غیر ممکن و غیر عادی می‌داند.

پروفیسور ولفگانگ لنتس گائها را از نظر دشواری و محتوی به اندازه‌ای بالا می‌برد که می‌گوید: هم دلی و هم نظری بی‌کی در این مورد بین صاحب نظران وجود دارد تاکنون در عالم دانش و شاید در هیچ موردی تاکنون میان دانشمندان حکمفرما نبوده است.

پروفیسور والتر هینتس در کتاب خود تحت عنوان «زرتشت» می‌گوید: از نظر هنر سرودن به اندازه‌ای شاعر گائها به گونه‌ای عجیب و تحسین آمیز درونی‌ترین احساسات را در قالب شعر و آن هم پیوسته به شیوه‌ای شیوا و نوین درمی‌آورد که سرودهای زرتشت از نظر فن هنر سرودن مذهبی یک قطعه هنری متعلق به بالاترین درجه است.

پیامبر در منتهای امانت‌داری و وظیفه‌شناسی فرمانها و خواستهای خداوند خود را که از جانب مأموریت یافته است به آگاهی مردم میرساند. او می‌خواهد آنچه او از جانب اهورامزدا بشارت می‌دهد فقط بگوش افراد راستین برسد و دروغگویان و دیوستانان نباید از آن آگاهی یابند زیرا اینان شایسته و لایق آموختن اوامر و اسرار خداوندی نیستند. این اهریمنان پیوسته بر آنند که با تمام نیرو جهان راستی و آشاپرستان را آلوده و بالاخره نابود کنند تا جهان به کام خویش سازند. اصولاً الهامات و بشارت و فرمانهایی که از جانب اهورامزدا توسط زرتشت به پنداران و بندگان راستین خداوند میرسد برای مبارزه با نیرنگ و مردم فریبی است از اینرو می‌توان فهمید که پیامبر ایران باستان چه وظیفه سنگین و پر مسئولیتی که در عین حال پر خطر نیز هست بر عهده دارد. پیامبر مصمم است که در راهنمایی و ارشاد پیروان خود به راه راست و کاستن عده افرادی که کثرتی و کزاندیشی پیشه آنان است و تشویق همگان به مردم‌داری به توفیق‌نهایی نایل آید از اینرو از تمام امکانات بهره می‌گیرد و در این بند از سرود خود (یستا ۲۳۱) می‌گوید: اگر دیوستانان در هدف و برنامه

و مشکلی با بهتر بگویم گرهی پدید آورند
در دیگر نیروهای موجود که اهورامزدا در
اختیار دارد و بی چون و چرا در اختیار او
قرار می‌دهد - و این نیروهای به نظر من
اری امشاسپندان و دیگر اهوراییان است -
ناگفته نماند که برخی از استادان در
ترجمه و تفسیر خود دچار لغزش شده و
زخدا یان «اهوراها» نام برده اند و مرادشان
این است که پیامبر غیر از اهورمزدا به -
زخدا یان دیگری نیز متوسل می‌شده است
حال آنکه اینچاغرض نمایندگان و کارداران
اهورامزدا یعنی امشاسپندان و اهوراستایان
می‌باشند) و پیامبر می‌کوشد که این رسالت
بآستین و هم آهنگ با اشا را بدرستی و
وقت تمام به انجام برساند، البته خداوند به
ندگان خود آن چنان نیرو برای استحکام
پیمان و دوام مقاومت بخشیده است که جای
بیخ نگرانی نیست و پایان این مبارزه
بصیر شدن راستی و پاکی بر دروغ و خدعه
است. ما باید در اینچا زمان پیامبر را به نظر
بیاوریم و در نظر خویش مجسم کنیم که
جهان دچار چه نابسامانی و آشفتگی و
اضطرابی بوده است و به اصطلاح به کرسی
شانندن مکتب اشا کاری بس دشوار بوده است
لی از آنجایی که رأی محکمه الهی
گسترش راستی و مردم‌داری در جهان و
رچیدن بساط نادرستی و ظلم است نتیجه
نهانی این آورد پیروزی پیروان خالق
نابودی ستاینندگان اهریمن خواهد بود
ایسن همان رستاخیز سرنوشت‌ساز و
هاننده‌ای است که جهانیان را به آرزویشان
می‌رساند. پیامبر مصرانه می‌خواهد که راه
پن پیروزی را از زبان خود خالق یکتا
شود. پیروان زرتشت با درک مسئولیت
بن فرمانها را با دل و جان انجام داده و

با آهنگ پیامبر بر آن باشند که با تمام
نیرو با همه موجودات آسیب‌رسان اعم از
انسان و جانوران (اینجا خرفستران)
مبارزه کنند. همانطور که در تفسیر بند
پیشین اشاره شد پیامبر از امشاسپندان نیز
یاری می‌طلبد و از همگی آنان به ویژه از
اشا و آرمئیتی طلب حضور می‌کند تا بتواند
به پشتیبانی آنها رسالت بزرگ خود را تا
سرحد کمال عملاً به انجام رساند. این
امشاسپندان که نمایندگان کردگار توانا
هستند با راهنماییهای خود به پیامبر قوت
قلب و امید پیروزی میدهند و قدرت
نیرومندان و توانایی برای تلاش پیگیر
و مبارزه لایزال که از آرزوهای پیامبر
است که به بارگاه اهورامزدا می‌برد و از
امشاسپندان نیز درخواست می‌کند. به -
رهبری دومین امشاسپند نزدیک به خدا یعنی
وهومن (اندیشه نیک) نیز برای جنگ با
دروغ و جهل استمداد می‌کند. در پنجمین
بند این سرود (یسنا ۳۸) زرتشت یکبار
دیگر از اهورامزدا می‌پرسد که پاداش او
در برابر این مبارزه چه خواهد بود - آیا
آنچه او تقاضا کرده است بی‌کم و کاست بر
مبتای اشا به او تعلق خواهد گرفت و با کدام
یک از خواستهای او بر آورده نمی‌شوند.
رابط او با خدا برای کسب پاسخ به این
پرسش اندیشه نیک است. و این خود یک
پیمان نهایی است که پیامبر با اهورامزدا
می‌بندد.

زرتشت در این پیمان خویش را
بار دیگر به عنوان بسته به اهورامزدا و
دوست‌دار همیشگی اش معرفی می‌کند. این
پیمان با خواهش پیامبر با کلامی دیگر در
بند ششم یسنا ۳۸ تکرار می‌شود به نحوی که
قدرت خارق‌الوصفی را برای تسلط بر

پیروان خود را در پایان از خداوند تقاضا
می‌کند و به شیوه‌ای که عادت پیامبران است
و باید به رازهای نهفته زندگی و اسرار
جهان هستی آگاهی یابند - چنانکه در
توانایی دیگر بندگان خدا نمی‌تواند باشد -
پیامبر میکوشد تا اسرار نیرومندی جهان
هستی و جهان مینوی و آمرگی را از
زبان خود سردار دانا ی زندگی بشنود و
به جهان و جهانیان به صورت نوآوری
به ارمغان آورد. پیامبر در پایان این بند
از یسنا ۳۸ ایمان خود را یکبار دیگر بر
زبان می‌آورد و بمزدا (دانا) می‌گوید:
بایبانی نغزو کلامی شیوا و کاملاً متواضعانه -
ای مزدا به تو قدرتی متعلق است که به نیروی
وهومن بیشتر پرورانده و دوام‌دارتر
می‌شود. پیامبر همانند آموزنده‌ای علاقمند
و کوشا آمادگی خود را به تطبیق با دانش
های خداوندی اعلام میدارد و میخواهد
اساس رسالت خود را بدین منوال استوار
ساخته و وظیفه پیامبری خود را به انجام
رساند. بی بردن به اسرار جهان هستی که
بعدها با دیگر اسرار آسمانی و دیگر کرات
و آنچه در زمین و آسمان می‌گذرد توأم
در یسنا ۴۴ به تفصیل از آن سخن خواهد
رفت در سر لوحه برنامه پیامبری زرتشت
به یاری دومین امشاسپند نزدیک به خدا
یعنی وهومن است و پیامبر با ولع خاصی
در صدد آموختن آن است.

بنظر من این سرود (یسنا ۴۴) در
بخشی از زندگی پیامبر سروده شده است
که او در نزد وهومن علوم الهی و آسمانی
و اسرار جهان آفرینش و شم و کیف
ستاره‌شناسی را به ویژه می‌آموخته است.
در آن زمان پیامبر خیلی جوان بوده و به -
احتمال زیاد یسنا ۴۴ و دیگر سرودهای او

که تا حدودی با این مطالب الهی هم آهنگ می‌باشند همزمان سروده شده‌اند. نوشته‌های پهلوی غیر مستقیم دارای بخش‌هایی از سرودهای پیامبر با کلامی دیگر به صورت پراکنده و با معاهیم گوناگون می‌باشند. نوشته پهلوی بندهش یا بندهشن که بخشی از محتوای آن به اسرار جهان هستی و رازهای آسمانی اختصاص دارد. کتاب بندهشن محتوی اسرار مربوط به آفرینش، جدال اهورامزدا با اهریمن، پیش‌گویی درباره جهان آینده و شامل بحث‌های بسیار گوناگون و جالب درباره نجوم، جغرافیا، گاهشماری و به‌ویژه درباره رستاخیزهایی یعنی آمدن سیوشیانتها و سرنوشت انسان در جهان باقی است (سرنوشت تن پسین می‌باشد).

پیامبر به این واقعیت معتقد و معترف است که اهورامزدا خالق اشا و دیگر امشاسپندان است و بقای جهان هستی و جاودانی جهان مینوی و چگونگی گفتار و کردار و پندار آدمیان که زیر اراده و نظر مستقیم و به فرمان اهورامزدا است به آنان یعنی امشاسپندان بستگی دارد. جدال میان راستی و دروغ که همان آهنگ مبارزه اهورامزدا با اهریمن دارد (بموازات این مبارزه در نوشته پهلوی زاتسپرام به تفصیل سخن رفته است) مبارزه‌ای بس قدیمی و با پیشینه‌ای بس مهم برای هر دو جهان است. فلسفه وجود اشارا پیامبر در بند هفتم سرود خود (یسنا ۳۱) را به زبان گویای خود خیلی قدیمی میدانند. دلیل اشاره به پیشینه اشا به خاطر این است که این مردم هستند که دوام راستی و بقای پاکی را مبارزه بر علیه نیرنگ و پلیدی موجب می‌شوند. با اینکه اشا این نزدیکترین

امشاسپند به اهورامزدا مدام در حال رشد و افزونی است معذک بخاطر روبروشدن با دروغ آن چنان پیشرفتی نکرده است و این رشد پیوستگی گاه و بیگاه به موافقی بر می‌خورد. این ادعای پیامبر مستقیماً مربوط به خود او است و به نظر او که بسیار صائب و واقعی است، اشا همانند نوری است که با فروغ خود با تاریکی جهل مبارزه می‌کند ولی پیامبر این دشمن دیرینه جهان راستی و هستی یعنی دروغ را ناچیز نمی‌شمارد و از آفریدگار جهان هستی و اشا خواستار می‌شود که اولی برای دوام و دومی برای نجات آدمیان از چنگال جهل و کذب ایستادگی کنند. به دنبال آن پیامبر از خداوند تقاضا می‌کند که به وهومن نیز استحکام لایزال عطا فرمایند، پیامبر تأکید می‌کند که وجود اندیشه نیک در ضمیر هر انسانی راستی را در وجود او می‌آفریند و او را از گمراهی باز می‌دارد. اصولاً از تفکیک این دو خاصیت خوب انسانی باید خودداری کرد و همانگونه که با واقعیت منطبق و هم‌آهنگ است باید پنداشت که شخص راست گفتار طبعاً نیک پندار و دوست‌کردار است زیرا به قول زرتشت گفتار و کردار و پندار هر انسانی لازم و ملزوم و با توصیف دیگر مکمل یکدیگرند.

اهورامزدا با ظهور خود که این به زمانی بر می‌گردد که مردم با خدانشناسی آشنا شده و با آن خو گرفته‌اند، اشارا نیز آفرید ولی با وجودی که زمانی بس دراز از آشنایی مردم با خدا می‌گذرد، این خدای سالمند چنان برومند و جوان مانده است که پیامبر به گونه ویژه‌ای و بایبانی جالب و شاعرانه از آن سخن می‌راند.

اهورا مزدا اشا و وهومن را با هم و در یک زمان آفریده است و به زبان پیامبر وهومن موجب نیرومندی و شادابی اهورامزدا است. زرتشت اهورامزدا را شالوده‌ریز همه خوبی‌ها در جهان و در نتیجه پدر مطلق اشا و وهومن می‌داند. پیامبر با تشخیص عینی خود همانند جوانی نیرومند و شاداب می‌بیند و این خداوند نیرومند به دیگران یعنی به آنان که در راه حق بر علیه خدعه و پلیدی مبارزه می‌کنند، نیرو و طراوت جوانی و پیوسته عطا می‌فرماید. بدین معنی که خالق جهان و جهانیان جوهر پیکار را در وجود خداپرستان می‌آفریند و از کاستن آن سخت‌جلوگیری می‌کند و آنکه در این پیکار ضعف نشان دهد، با خدای خویش در آویخته است.

اشاره کردیم که وهومن امشاسپند نگهبان جانوران سودمند یا به اصطلاح دیگر جهان زنده است طبیعی است که اهورامزدا به عنوان آفریدگار وهومن، جهان را نیز آفریده و به پناه وهومنش داد. این بخش از این سرود (یسنا ۶۳۱) را باید در هم آهنگی با یسنا ۲۹ دومین سرود از گانه‌های زرتشت آموخت و به تفسیر آن پرداخت. آرمشیتی امشاسپند نگهبان زمین و خاک (یکی از عناصر پر حرمت که در زمره آتش و آب و باد به وسیله زرتشتیان توجه خاصی به آن می‌شود) نیز یکی دیگر از فرشتگان نزدیک به اهورامزدا است.

اهورامزدا همزمان با آفریدن جهان (که او را به دست وهومن سپرد تا آزرگردد مصون بماند) نگهبانان دلسوز و پرورش دهنده و بی‌آزار که از آن حمایت میکنند را نیز آفریده است اگرچه گاهی دروغ‌گویان موفق می‌شوند که بیرحمانه آن را در

چنگال‌های ظالمانه خود بگیرند و به او آسیب رسانند. باز نباید پنداشت که این به‌پشت پرده فراموشی و دور از نگاه اهورامزدا سپرده می‌شود. جا دارد که ذکر از هم‌آهنگی و همکاری میان آرمیتی و خشرا (قدرت - فرمانروایی - فلز) که امشاسپند نگهبان معادن و فلزات است نیز در اینجا بشود.

با بیان دیگری در بند هفتم یسنا ۳۱ گفته میشود که قدیمی‌ترین و بزرگترین معبود زمان یعنی سردار دافای زندگی اش را می‌شناخته است. در پیش از زبان پیامبر گفتیم که پدر واقعی اش اهورامزدا است (ضمناً عین همین بیان در یسنا ۴۴ پیش می‌آید). آفریدن اشا به خاطر آن است که بزرگ امشاسپند در جهانی (فضایی) آزاد برای آزادگان و آزادمنشان فروغی بس عالمگیر می‌تاباند تا راست‌ترین راه به آنان که در آن فضا هستند و طالب فیض منش و گوش و کنش خوب و لنتیجه در جستجوی راه راست میباشند می‌نمایاند. همزمان با آفریدن اشا، اهورامزدا نیرویی را آفرید که اندیشه نیک را می‌توان با آن نگهداشت و به آن دوام بخشید - در این خصوص نیز در بندهای پیشین به تفصیل سخن گفته شد - دروغ‌منشان و گزروان پیوسته می‌کوشند که از گسترش و پیشرفت اشا بکاهدند و همانگونه که یادآور شدیم گاهی نیز برای مدت زمانی کوتاه موفق به انجام نقشه‌های شیطانی خود برای آزار اشا کاران میشوند - و همینطور وهومن که بسته به اشا و امشاسپندی تردید به خدا است از گزند اهریمن‌ستایان در امان مطلق نیست. باشد که به زبان خود پیامبر بگوییم: ای مزدا، ای اهورا، تویی که به وسیله (به نیروی) خرد (مینو) خویش رشد می‌کنی (بزرگ و گسترده و عالمگیر می‌شوی) و تاکنون

همانطور نیرومند مانده‌ای - من از تو ای همان خیلی قدیمی چنین تشخیص می‌دهم که تو به وسیله اندیشه‌ات شادایی جوانی را دارا هستی، ای مزدا، - (این نیز با کلامی دیگر در بندهای پیشین ذکر شد) - در یسنا ۳۰ و ۳۱ از آفریده شدن اشا و وهومن و آرمیتی به وسیله اهورامزدا سخن راندیم - جهان نیز با وهومن آفریده شده و به پناه وهومن سپرده شد. علاوه بر وهومن پرورنده‌ای چون چوپان دلسوز و چمن‌آرا نیز در نظر گرفته شده است. «گاو» در پناه «چوپانان» آذوقه دهنده و دوشنده احساس امنیت و آسایش می‌کند و این همان چیزی است که گاو از اهورامزدا میخواهد - (یسنا ۲۹ به این موضوع اختصاص دارد). این چوپانان کسانی جز نگهبانان راستین و دوستان و پیوستگان و یاوران وهومن نیستند - و در مقابل آنکه از گاو حمایت نمی‌کند و این جانور را می‌آزارد و به اصطلاح آن «ناچوپان» کسی است که هیچگاه از او به نیکی یاد نخواهد شد با این او با دشنام دادن و زخم زبان زدن در صدد کسب موقعیت و معروفیت است.

اهورامزدا با خرد خود به عنوان پایه زندگی درست برای انسانها جسم و روح را آفرید و این چیزی جز جهان مادی و جهان مینوی نیست و به اصطلاح دیگر نعمتها و برکتهای جسمی و روانی را آفرید. خداوند به انسانها نیروی فکری داد که به مخالق و ولینعمت خود ببیند و از اینرو برای انسانها نماز و نیایش را آفرید که با خدای خویش راز و نیاز کنند و به نیروی همین فرمانبرداری آرامش درون یافته و پیوسته به کار نیک و خداپسندانه به - پردازند. خداوند به غیر از نیروی جسمانی یا مادی نیروی عقلانی یا معنوی را نیز

همانگونه که گفته شد برای انسانها آفرید که بر مبنای همین دو نیرو در پاك نگهداشتن جهان هستی بکوشند و نیز در جهان هستی با اتکاء با آن بگویند و بیندارند و بکنند. این انسانها اگر به فرمانهای خداوند خویش و به بشارتهای پیامبر خود گوش فرا دارند و به چیزی جز راستگویی و درست کرداری و پاك‌اندیشی تن ندهند، آرزوهای آنان از جانب اهورامزدا برآورده خواهد شد. باری خداوند با خرد ویژه و درك خداوندانه خود هوشیارانه تشخیص می‌دهد که آیا این نظر و نیایش مصلحتی است یا واقعاً از روی اخلاص و احترام کاملاً قلبی و احساسی است - آنکه راست گوید و سرودهای قلبی و پاك بسراید از نظر خداوند دور و بی‌اجر نمی‌ماند و اهورامزدا در ارزیابی خود هیچگاه و به هیچوجه دچار اشتباه نمی‌شود و آنکس که برای رفع نیازمندی و گشودن گره‌های دست به چالپوسی به درگاه خداوند می‌زند هیچگاه کامیاب نشده و از الطاف خداوندی چیزی نصیبش نخواهد شد - آنکه از روی دافایی و احساسات پاك به خدا تردید می‌شود، مورد توجه خدا بوده و از برکات پروردگار و حمایت امشاسپندان برخوردار است. پیامبر ایران باستان بارها در سرودهای خود به پیروان خود هشدار می‌دهد که با ایمان و اعتقاد به هدفی که دارند - و آن هدف کاری جز مبارزه با دروغ و شکست دروغپرستان و تقویت و گسترش راستی و پاکدامنی در جهان نیست - در عین فروتنی و خوش‌ضمیری به طاعت خدای خود پردازد و پیوسته با اتحاد و یگانگی به این مبارزه رستاخیزی بپردازد.

آنچه پیامبر به عنوان راهنمایی و راز موفقیت از اهورامزدا الهام می‌گیرد، در عین درستی و نوع دوستی و اتحاد نسبت

به پیروان خود، به آنان می گوید .
یسنا ۳۱ یکی از سرودهایی است که
از نظر کیفیت محتوای آن فوق العاده
پر اهمیت و مورد توجه دانشمندان علوم
دینی است.

از زمان های خیلی پیش برای تمام
بندگان خدا روشن است که خداوند آگاه
و بر همه چیز ناظر است - هیچ چیز و
هیچ حرفی بر خداوند پوشیده نمی ماند،
آنچه گفته، کرده و اندیشیده شود، چه
در خفا و چه آشکارا، از دید مستقیم
اهورامزدامی گذرد. پیامبر این را به خاطر
بینایی، دانایی و توانایی فوق العاده
خداوند می داند و می گوید، هر کس در
مقابل گفتار، کردار و پندار خود پاداش
یا عقوبت درمی یابد .

آفریدگار جهان به گونه ای که پیامبر
بیان میکند، در قضاوت خود بینهایت دقیق
و حتی سختگیر است - حتی در مورد آنان
که گناهی بس کوچک مرتکب می شوند،
بیم آن می رود که عقوبتی بس دشوار و
سهمگین به آنان تعلق گیرد. زرتشت در
خلال سرودهای خود به دفعات این هشدار
را می دهد و پیروان خود را در صورت
اراده به کارهای ناروا به مکافات آن آگاه
می سازد . خداوند تیزبین و تیزهوش همه
اینها را به نیروی اشا می نگرد (یسنا
۱۳۳۱). زرتشت به اصرار از خداوند درباره
راز این مهم پرسش می کند با علم به اینکه
آگاهانه به کیفیت قضاوت دقیق و حسابرسی
هوشمندانه خداوندی پی برده است ،
مع الوصف زرتشت از خدا می پرسد، چه
پاداشی شخص راستین در برابر پرهیزگاری
و نیایش پیوسته به درگاه خداوند دریافت
می کند و عقوبت شخص دروغین که گامی
درست برنمیدارد و مدام موجب زحمت و
عذاب اشاستایان است چیست؟ زرتشت حتی

از نوع این مرزها برای راستان و گونه
مکافات برای اهریمن پرستان، از اهورامزدا
پرسش می کند - از اینکه دروغ پرستان
به قدرت و حیطة فرمانروایی خود به شیوه
غیر عادلانه و مغایر با خواست و نظر
خداوند، گسترش می دهند، موجب شگفتی
و دلالتگی پیامبر است .

از اینرو در بند ۱۵ یسنا ۳۱ پیامبر
از خدای خود می پرسد، در آن باره از تو
می پرسم : چگونه عقوبتی برای آن دروغین
که نیروی خود را افزایش می دهد، وجود
دارد ؟ برای آن پلیدکار ، ای اهورا ،
برای آن پلید کرداری که نمی تواند مخارج
زندگی خود را مشروع و بدون اجحاف
و تجاوز به چشم و یاور آن چوپان گریزان
از فریب، بیابد؟ در واقع جز این نیست
که دروغگو با خدعه و اعمال زور از
اشخاص ضعیف ، به ناحق اخاذی می کند و
هیچگاه زندگی اش از روی حق و راستی
تأمین نمی شود و در قضاوت خداوند يك
چنین دشمن بندگان فرمانبردار و راستین
خدا، باید مجازات شود.

پیامبر از خدا می خواهد که اینگونه
اجحاف و بیرحمی ها را سرکوب کند ،
زیرا این ناامنی ها و نابسامانیها روحیه
پیامبر را چنان آزار می دهد که عاجزانه
از خدا می خواهد مبلغین و پیشوایان
فریبکار و دروغین دینی را مورد خشم
خویش قرار دهد تا آنان که مکتب های ظلم
و بی ایمانی را پرورش می دهند و در پی
گسترش دروغ و چاپلوسی هستند ، از عنایات
خود محروم دارد و به عنوان عقوبت چیزی
جز بیماری و بی غذایی را تا پایان زندگی
و در عقبی جایی جز دوزخ را برای آنان
مجاز ندهد ، و نیز آنان که پیشوایان
نیرنگ باز مذهبی را از نظر مادی تأمین واز
لحاظ فکری با آنان هم اندیشه و هم پیمان

می شوند ، مورد مجازات قرار دهد.

در شانزدهمین بند یسنا ۳۱ پیامبر
ایران باستان پاداش آن دسته از رهبرانی را
که در نظام فرمانروایی خویش خوشبختی
و امنیت فرمانبرداران و رعایای خود را
گنجانده و در رعایت آن بسیار می کوشند
و پیوسته در صدد فراهم آوردن آسایش
برای مردم به ویژه برای دهقانان و
چوپانان و خانه داران هستند و بر مبنای
حق و راستی به قدرت آنها اضافه میشود،
از خدا می پرسد و می خواهد . زرتشت
اینگونه می پرسد :

ای مزدا، ای اهورا، چه وقت
آن فرمانروای راستین و مردم دوست بر
سر قرارگاه خواهد بود تا پاداش خود را
دریافت کند - به نظر من منظور و مراد
پیامبر به وقوع پیوستن رستاخیز است و آن
گاهی است و آن زمانی است که سیوشانس
های نجات بخش بی دفاعان را از یوغ ظلم
و بی آسایشی می رهازند و بساط دروغ و
زور را برچیده و مردم را به یگانگی و
همدستی و هم دوستی دعوت و تشویق و
رهبری می کنند و جهان را از هر نظر از
دروغ و آلودگی میرا می کنند.

نیروی لایزال سیوشانسی به گاه
رستاخیز یاری می دهد که مکتب و آیین
حق پرستی وسعت و نیرو یابد. پیامبر با
اعتقاد به اینکه این زمان وقتی فرا میرسد
که توانایی دروغ پرستان تا اندازه ای ضعیف
شده و راستان قد برافراشته و به اصطلاح
کمر خیز کرده و در انتظار ظهور یاور
و پشتیبانان خود یعنی سیوشانس ها هستند
و این آرزوی نهایی زرتشت و پیروان او
است. این درخواست پیامبر از خدا برای
فرستادن این رهاندگان موجب شد که
اهورامزدا به پیامبر آمدن سیوشانس هارا
مژده بدهد. سراینده گائها نهایت خوش بین

است که روزی جهان از تمام نیروهای بداندیش و آزاردهنده پاک‌شده و عنان رهبری جهان بدست خدادوستان و پاک پنداران سپرده می‌شود و دین راستی و حق پرستی جایگزین دروغ پرستی و ظلم خواهد شد.

برای رسیدن به این آرزو زرتشت از خدا می‌خواهد تا به آنکه در راه حق می‌کوشد و حامی و حافظ راستان است به پاس گفتار راست و کردار نیک و پندار پاک و فروتنی‌اش پاداش نیک ارزانی دارد - پیامبر در عین حال مطمئن و معتقد است که مشوقین و یاوران دین راست و مکتب خداپرستی پاداش خوب دریافت می‌دارند و این به نیروی اشا است که گام به گام و لحظه به لحظه و به خصوص در موارد بحرانی که راستان با اهریمنیان در می‌آویزند، همراه و پشتیبان است.

علاوه بر این پیامبر درباره قضاوت اهورامزدا در عین اطمینان به دقت و جدیت و حتی سختگیری در مورد دادن پاداش یا عقوبت به آدمیان، از خدا می‌پرسد که آیا شخص راستین مزد بیشتری دریافت می‌کند یا دروغ‌پرداز - آنچه زرتشت با اصرار زیاد از خدا می‌طلبد و از پیروان خود توقع دارد این است که، آنچه از راستی و خوبیها آموخته‌اند با دروغگویان در میان نگذارند زیرا این دیوسیرتان پیوسته با توطئه‌های بداندیشانه خود بر علیه راستان قیام می‌کنند.

پیامبر تأکید می‌کند که حتی نباید با دروغگویان هم سخن شد، زیرا دروغگویان تحمل شنیدن سخن راست را ندارند و باید از این گروه خطرناک حذر و پرهیز کرد و سخنان و راهنماییهای خود را با احتیاط فراوان در محضر راستان بیان کرد بطوری که به گوش این اهریمنیان مهیب نرسد.

عصاره خواست پیامبر این است که دانا باید با دانا هم سخن شود و نادان نباید با ترویر و دزدانه به طریق بی‌حرمتی با ایده‌های دروغین خود وارد گفتگوی آنان شود و چیزی زشت و ناهنجار بگوید تا صاحبان سخن راستین آزرده خاطر و خشمگین گردند - پیامبر باز از خداوند تمنا می‌کند که برای او و یارانش مشعلی از اندیشه نیک باشد و بانور و هومنی خود جهان را روشن نماید و این روشنی همانند نوری است که بر ضمیر و درون راستان می‌تابد.

زرتشت در هجدهمین بند یسنا ۳۱ به دنبال خواستهای خود عاجزانه از اهورامزدا خواهی می‌کند که در مورد دروغگویان از راهنمایی و مساعدت دریغ نماید و می‌گوید:

آنکس که به گروه دروغ‌منشان تعلق دارد نباید سخنان نجات بخش و روح انگیز و فرمان‌های اهورامزدا را بشنود، زیرا شخص ددمنش بر آن است که دهکده و مزرعه و کشور و کشور و کشتار را مدام در ناتوانی و نیازمندی ببیند و در آن وضع نگهدارنده در پایان به نابودی بکشاند، باشد که تو ای خداوند با سلاح خود آنان را متلاشی و بنیان کن کنی، زیرا وجود این دژخیمان در جهان موجب زاییده شدن بیماری‌های درمان ناپذیر و گسترش فقر و پز مردگی است. به نظر پیامبر جهان مادی و موجودات زنده آن پیوسته در حال اضطراب و دلهره در برابر دیوستایان به سر می‌برند و در سرودهای پیامبر بارها از بیم نابودی جهان هستی به دست دروغگویان سخن رفته است، از اینرو آرزوی نابودی آنان را از بارگاه خداوند توانا می‌کند؛ تا پیروان پیامبر دچار فقر و پشیمانی و عقب‌نشینی نشوند.

زرتشت به پیروان خود نیز همین

اندرز را می‌دهد و از آنان توقع دارد که پیوسته با پشتکار و همت بر آن باشند که از کثرت ددمنشان بکاهند و نگذارند که اینان بی‌نیاز و نیرومند شوند، پیوسته با ستیز و خشم با آنان رو برو شوند و با اینگونه تلاش و مبارزه‌ها آنان را ضعیف و ضعیفتر و بالاخره ناتوان و زمین گیر کنند.

پیامبر معتقد است که پرستندگان اهریمن و دروغ بیشتر به وسیله استراق سمع سخنان پاکدینان را در می‌یابند و بر مبنای آن نقشه‌های شوم و پلید می‌کشند که زبان‌های جبران ناپذیری به بار آورند. سخنان و فرمان‌های خداوند و دیگر اشاپرستان را باید کسی بشنود که به اشایمان و اعتقاد دارد، پیغمبر به خدا می‌گوید: و آن سیوشانس و آن شخص دانا است ای اهورا، آنکه با سخنان و جملات راست اظهار عقیده می‌کند و زبانش در تحت کنترل خود دارد تا سخنی ناپخته و نادرست نگوید. پیامبر شخصاً به آهنگ فرمانهای خدا که راهبر او است، به برنامه‌های عبادت و ستایش‌های مذهبی خود می‌پردازد تا موجب ناخوشنودی آفریدگار جهان را فراهم نیآورد. پیشرفت پیامبر در برنامه‌های نجات بخش او منوط به کسب خورسندی خاطر اهورامزدا است. او از خداوند خواستار بزرگترین کمکها و نعمتها در پرتو اشا است، تمام اینها را پیامبر به مانند آموزنده‌ای کوشا و پر دقت و فرمانبردار که سخنان آموزگار خویش را با علاقه فراوان می‌شنود و در به کار بردن آن نهایت مراقبت است که دچار لغزش و اشتباه نشود، تقاضا می‌کند. این فروتنی پیامبر در قالب سرودهای نغز و شیوا موجب مژده آمدن ناجیان جهان هستی شد که در تفسیر بندهای پیشین یسنا ۳۱ به وضوح دریافتیم.

در بیستمین بند یسنا ۳۱ سخن از

آنست که اگر انسانها اوقات خود را در محاصره راستان و خداستایان بگذرانند، در جهان مادی کامیاب و در جهان مینوی سربلند و پیروز خواهند بود. در مقابل آن، زرتشت روی سخن به دروغگویان می‌کند و به آنان می‌گوید: برای شما و همگنان شما ای دروغگویان یک زندگی طولانی در محیط تاریکی، خوراک متعفن و فاسد و آه و ناله در نظر گرفته شده است و شما و همتایان شما به خاطر کردار و اندیشه‌تان به سوی یک چنین زندگی تنگین رهنمون می‌شوید.

در این بند مراد پیامبر این است که اینگونه رهبرهای دینی و پیشوایان و مبلغین مکتب دروغ که به اشاعه نیرنگ و مردم‌فریبی می‌پردازند به سرنوشت‌شان آگاه کند. و روحانیانی که همت خود را به تبلیغ اشباح اختصاص داده و نسبت با فریدگار جهان پیوسته فروتن و فرمانبردار میباشند و هیچگاه از انجام مراسم درست آیینی غافل نشده‌اند، زندگانی شکوهمند و آخرت نیک، پاداش آنان خواهد بود. آن دروغپرستی که این پیشوای راستین دینی را بیزارد و به سخنان او گوش ندهد و قربانیهای زشت و مسمثرکننده برپا کند، هیچگاه به آرزوی زشت خود نخواهد رسید و در ظلمت جاویدان به سر خواهد برد.

از اینرو در بند بعدی این سرود پیامبر از خدا می‌خواهد تا آنچه در چهار چوب تندرستی و نیرومندی، قدرتمندی و توانایی که از ثمره‌های راست‌منشی و درست‌کرداری است، به آنکسی ارزانی دارد که با گفتار و کردار و پندار خود به خواست اهورامزدا رفتار می‌کند و پیوسته پیوندی ناگسستنی با خداوند دارد و خداوند قادر است که اینگونه افراد را در پناه

مطمئن خود گیرد و به نیروی استادانه اندیشه نیک خود آنان را از هر گزند مصون دارد - در ضمن پیامبر ایران باستان تأکید می‌کند که زندگی جاودان و چالاکي در مقابل دشمن از آن کسی است که به فرمان های اهورامزدا مطیعانه گوش کند و نسبت به او وفادار بماند.

در بند آخر یسنا ۳۱ سراینده گائها افسراد راستین را در مقام تردیکترین میهمانان خداوند میدانند و برای آنها آرزوهای بزرگ دارد که از آن جمله اند: نعمتهای باشکوه و جلال و قدرت باید به - کسانی تعلق گیرد که در حریم اشادر گفتار، کردار و پندار خود به چیزهای شکوهمند و ابزارهای کاری برای نجات انسانهای پاک و رها نیدن جهان هستی از چنگال دروغ و ستم، می‌اندیشند.

بهرتر بگوییم آنکه مردم‌داری و راستی را موجب خوشبختی نداند، خوشبخت هم نخواهد شد. آنکه ظلم پیشه کند تا پیشرفت نماید، چیزی جز ظلم و بیماری دامنگیر او نخواهد شد.

در فلسفه پیامبر ایران باستان ظلم و ستم هر چند مقاوم باشد، نهایت کم دوام و شخص ظالم و ستم‌پیشه مدام رنجورنوی کوتهورزی خواهد بود. آن دیندار و پیرو راستینی که نظر خداوند را تأمین کند و در صدد آن باشد که آنچه خدا فرموده است انجام دهد، مشمول عنایات خداوندی می‌شود و آنکه به سودا هر یمن با اهورامزدا در آویزد و نسبت به پیامبر او نافرمانی کند، مورد خشم خداوند قرار می‌گیرد و پیوسته تنگدست و رنجور زندگی میکند. در سرودهای زرتشت اصولاً سخن از اندوخته هر انسانی در گفتار و کردار و پندار او است که زندگی او را در هر

دو جهان تحت الشعاع قرار می‌دهد. باشد که در این مورد از هادوخت نسک قطعه‌ای آورده شود که عصاره راهنمایها و گفته‌های زرتشت در آن مستتر است. نیروی باطنی هر انسانی که در اوستا و مخصوصاً در بیستمین نسک اوستا «هادوخت نسک» «دثنا=دین» نامیده می‌شود پس از مرگ هر انسانی در مورد پاکان و نیک‌کرداران به صورت یک دختر جوان پانزده ساله و بسیار زیبا که دو سگ به همراه دارد به شخص پاک‌دین می‌پیوندند و او را به بهشت راهنمایی می‌کنند - در مورد دروغکاران و پلیدمنشان این نیروی درونی «دثنا» به شکل یک زن عفريت‌مانند و فوق‌العاده زشت سیما و دیوسیرت به استقبال شخص دروغین که در جهان مادی اندوخته‌ای جز گناه به عنوان توشه جهان مینوی ندارد، می‌آید و به - شیوه‌ای زننده و اهانت‌آمیز این بنده پر گناه را برای رسیدن به عقوبتش کشتان کشتان به دوزخ می‌برد. این نوع زندگی مینوی برای هر دو گروه انعکاس واضحی از چگونگی زیستن و به ویژه آنچه در درون آنها می‌گذرد است. مثلاً آنکه از دروغ و ناآشتی می‌پرورند، در زندگی خود در این جهان هستی دارای درون و وجدانی آرام و بی‌هیچگونه آلام و عذاب است و همانند آن را نیز در جهان مینوی بصورت بهشتی سرسبز و خرم درمی‌یابد.

آنکه پیوند خود را با اهریمن نگهدارد، در جهان مادی کامگار نبوده و بیماری و عذاب وجدان همدم او خواهد بود - طبیعی است که این شخص در عقبی پاداشی جز آتش دوزخ نمی‌گیرد و به قول پیامبر در ظلمت گفتار خود می‌زید و پس از آن در آتش کردار خویش می‌سوزد.